

تبعیض و استثمار زنان در جهان

ناهد جعفرپور

...

در سرتاسر جهان بیش از یک میلیارد انسان دچار سوء تغذیه می باشند و تقریباً روزانه ۵۰۰۰۰ نفر در جهان از سوء تغذیه جان خویش را از دست می دهند. غالب ای این افراد زنان و کودکان می باشند. در بسیاری از فرهنگ ها مردان ارزششان بسیار بیشتر از زنان است و در ابتدا مردان باید سیر شوند و با پس مانده غذا زنان شکم خود را سیر نمایند به همین منظور مثلاً در شمال هند ۲۱٪ فرزندان دختر و تنها ۳٪ فرزندان پسر دچار سوء تغذیه می باشند.

زنان در جهان سوم

صدها سال است که زنان در سرتاسر جهان تحت ستم و تعقیب رنج میبرند، استثمار میشوند، مورد تهدید قرار می گیرند و از آنها سوء استفاده میشود. در حالیکه زنان در کشورهای صنعتی بخشا موفق شده اند به حداقل برابری حتی اگر روی کاغذ دست یابند، شرایط زنان در جهان سوم همچنان چون گذشته همواره فاجعه بار تر میگردد.

به ویژه در زمینه اقتصادی نابرابری و بی عدالتی اجتماعی در میان زنان چشمگیر است؛ در سطح جهان زنان میان دو سوم و سه چهارم تمامی مشاغل را انجام می دهند و ۴۵٪ مواد غذایی جهان را (در کشورهای در حال توسعه حتی تا ۸۰٪) تولید می کنند. اما تنها ۱۰٪ از درآمد حاصل از تولیدشان را دریافت می کنند و تنها ۱٪ از کل مالکیت خصوصی را در اختیار دارند.

بنابراین زنان برای بخش بزرگی از کارشان مزدی دریافت نمی کنند؛ خانه داری، تربیت فرزندان و در جهان سوم همچنین کار زراعی عمدتاً به عهده زنان است. آنها حتی از کمک های نقدی برای توسعه به هیچ وجه برخوردار نمی شوند؛ وام ها غالباً به مردان داده میشوند. زنان با وجود اینکه غالباً تا ۸۲٪ بیشتر از مردانشان کار زراعت را انجام می دهند اما حقی در سود حاصله از پروژه های توسعه را ندارند.

غالباً زنان کارگر یا بعنوان کارگران مزد ارزان در کارخانه جاتی

که اکثرا مالکینش کنسرن های غربی می باشند، کار می کنند و یا از طریق فروش سبزی جات و کارهای دستی و یا خود فروشی امرار معاش می نمایند. به ویژه در برخی از کشورهای آسیای شرقی با پشتیبانی زنجیره هتل های بین المللی و شرکت های هواپیمائی از زنان و کودکان تهیدست برای سکس توریزم سوء استفاده می گردد و منافی فراوان حاصل می گردد.

در سرتاسر جهان بیش از یک میلیارد انسان دچار سوء تغذیه می باشند و تقریبا روزانه ۵۰۰۰۰ نفر در جهان از سوء تغذیه جان خویش را از دست می دهند. غالب ای این افراد زنان و کودکان می باشند. در بسیاری از فرهنگ ها مردان ارزششان بسیار بیشتر از زنان است و در ابتدا مردان باید سیر شوند و با پس مانده غذا زنان شکم خود را سیر نمایند به همین منظور مثلا در شمال هند ۲۱% فرزندان دختر و تنها ۳% فرزندان پسر دچار سوء تغذیه می باشند. در بسیاری از کشورها سوء استفاده و آزار شدید زنان و دختران امری مشروع است. برای مثال کتک زدن زنان و دختران از سوی مردان بنفع عفت خانواده و جامعه است و امری طبیعی است و از مجازات برخوردار نیست و یا قتل های ناموسی، فروش دختران و ده ها خشونت خانگی و اجتماعی، میلیون ها دختر در کشورهای جهان سوم ختنه می شوند تا بدینوسیله از آنها زنی مطیع و تحت فرمان و امین به شوهر ساخته شود. از آنجا که ختنه زنان غالبا بصورت سنتی و با آلات غیر بهداشتی انجام می شود آمار بالائی از دختران به خاطر خونریزی شدید جان خود را از دست داده و یا تمام عمر دچار نقص عضو و بی حسی در ناحیه شکم گشته اند. وضعیت زنان در مناطق جنگی وحشتناک تر از موقعیت های عادی است تجاوز به زنان و اوو از جمله آسیب ها است که در برابر آن از سوی جامعه ملل سکوت برقرار است.

آزار و اذیت و تعقیب سیستماتیک زنان در بسیاری از کشورها مانند هندوستان جائی که فرزندان دختر سقط گشته و یا پس از تولد کشته می شوند، امری عادی است. زیرا که در این کشورها برای فرزند دختر بهنگام ازدواج باید جهیزیه زیادی چه نقدی و چه کالائی به خانواده داماد پرداخت شود اما برای فرزند پسر بر عکس است. افزون بر اینکه فرزند پسر در آینده سرپرست و در حقیقت بیمه دوران پیری والدین است. در هند هنوز هم زنان زمانی که جهیزه کافی نپرداخته باشند و یا خانواده زن تهیدست باشد و قادر به پرداخت جهیزیه نباشد و یا زن سرکش باشد به همراه شوهرانشان سوخته می شوند. تعقیب قضائی این گونه قتل ها با وجود اینکه در قوانین هند ممنوع است اما غالبا به

لحاظ مسائل فرهنگی انجام نمی گیرد.

طبق گزارش سازمان ملل متحد آمار قتل زنان در سرتاسر جهان همواره در حال افزایش است (طبق آمار اخیر در حدود ۵۲٪). در هند، پاکستان، آلبانی و بسیاری از کشورهای عربی این آمار چشم گیر است.

در حالیکه فقر در جهان سوم در حال رشد است و هر روز انسانهای بیشتری ساکن مخروبه ها و زاغه های حاشیه شهرها می شوند، بسیاری از این کشورها میلیارد ها دلار برای تسلیحات هزینه می کنند: هند و پاکستان و چین قدرت اتمی می باشند.

شرایط زنان در این کشورها (گذشته از تغییرسیستم سیاسی و اقتصادی در سطح کلان این کشورها) تنها می تواند از طریق استقلال اقتصادی زنان، فرصت های آموزش و آگاهی زنان به حقوقشان از جمله از طریق پروژه های هدفمند توسعه ارتقا و بهبود یابد.

واقعیت: اگر جایی در جهان اقلیتی قومی این چنین مانند زنان تحت آزار و تبعیض و تعقیب قرار می گرفت، سازمان های بین المللی مطمئنا مدتها بود که یا به تبیض کنندگان حمله نموده و یا حداقل بعنوان نسل کشی اعلام جرم نموده بودند. اما زمانی که حقوق انسانی زنان خدشه دار می شود طرفداران و حامیان " دخالت های بشردوستانه " و " صلح خواهان " و " پلیس های جهان " چشم های خود را می بندند. زیرا که آنان خود از استثمار زنان نفع می برند.

۱/ بنا براین جمع بندی نقش اجتماعی زنان و موقعیت آنها در جهان سوم از طریق فاکتور های زیر خلاصه و مشخص می شود:

الف/ زنان کار اجتماعی ضروری را بدون دریافت درآمدی قابل مشاهده و درآمدی شخصی انجام می دهند.

ب/ زنان چه به لحاظ حقوقی و چه به لحاظ اجتماعی و چه به لحاظ اقتصادی بسیار پائین تر از مردان قرار گرفته اند و در بسیاری از کشورها حتی آن حقوق حداقل نوشته شده در باره زنان هم به هیچ وجه اجرا نمی شود.

ت/ حضور زنان در فرهنگ آموزشی و فرهنگ سیاسی یا بسیار کمتر از مردان است و یا اصولا وجود ندارد.

س/ نقش زنان در تمامی عرصه ها به لحاظ موجودیتشان و به لحاظ جنسیتشان در غالب کشورهای جهان سوم از اهمیت بسیار محدودی

برخوردار است

ش/ زنان به لحاظ موقعیت اجتماعی‌شان در بخش صنایع به لحاظ دستمزد و ساعات کار نسبت به مردان (چه در کارخانه جات و چه تولید در خانه برای کارخانه جات و چه کار برای بازتولید نیروی کار و...) بشدت استثمار می شوند و غالبا کار آنها در آمار های رسمی بحساب نمی آید.

۲/ شرایط زندگی

الف/ کار زنان در روستا ها و کارخانه جات : کار زنان بر روی مزارع، خانه داری، مراقبت از فرزندان و سالمندان خانواده، کیلومتر ها راه رفتن برای تامین آب خوراکی و ابزار سوخت (هیزم و...)، تهیه آرد برای نان، جمع آوری میوجات و سبزی جات برای تامین خوراک روزانه، ذبح حیوانات اهلی برای تهیه گوشت، تعمیر و دوخت البسه و وسائل خواب (تشک و لحاف)، صنایع دستی چون سبد و فرش و گلیم و... می باشد و غالبا زنان در این بخش به کار تولید مواد غذایی روی مزارع و همچنین کارهای دستی برای ارائه به بازار های محلی و فروش این محصولات در آن بازار ها یا تولید برای واسطه ها مشغولند. غالب همسران این زنان به بخش صنایع شهرها رفته و درکارخانه جات و یا مزارع صنعتی بکار مشغول شده و از این روی بار سنگین گذران امور خانواده و سرپرستی خانوار به عهده این زنان است. با افزایش بیکاری مردان در جهان سوم مسئولیت کار بر روی زمین و تجارت خرد در بازار های محلی از زنان گرفته شده و این مسئله خود باعث شده است که زنان موقعیت اجتماعی خود را در خانواده از دست بدهند. زمان متوسط کار زنان در بخش روستائی روزانه میان ۱۵ تا ۱۶ ساعت می باشد. در شهرها با زنان کارگری روبرو می شویم که بعنوان کارگر کارخانه (معمولا در بخش بسته بندی) خدمتکار، دست فروش، پرستار، سکرتر، معلم، کارگر ساختمانی و تن فروش ... مشغول بکارند.

ب/ آموزش: درجه بیسوادی زنان بالا تر از درجه بیسوادی مردان است. وزنه آموزش زنان بیشتر بر آموزش تعلیم و تربیت و مشاغل مراقبت های ویژه استوار است.

ب/ موقعیت اجتماعی: مدل زن خانواده که پاداشش مادر بودن و جنسیتش است و فضیلتش پاکدامنی، بکارت، فرمانبرداری، زرنگی و باروری اش می باشد.

ت/ موقعیت حقوقی: غالباً هیچ تضمین حقوقی برای برابری زنان با مردان در برابر قوانین وجود ندارد بلکه برعکس بیشتر یک سری قوانین بشدت افراطی مانند قانون ارث، قانون ازدواج و طلاق و قانون مالکیت و... بر زندگی زنان حکمفرماست. بخصوص در قانون طلاق و حضانت فرزند زنان بشدت تحت فشار بی قانونی قرار دارند و اگر قانونی هم اجرا میشود برخواسته از سنن و فرهنگ و دین ووو که خود شرایط صددرد بی حقوقی و پایمال شدن حقوق انسانی را برای آنان به همراه دارد.

س/ بهداشت و سلامتی: به لحاظ رشد فشار کاری و حاملگی های متعدد درجه طول عمر زنان در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با مردان بسیار پائین تر است.

ش/ جنسی: جنبش های زنان ختنه زنان در کشورهای جهان سوم را بعنوان یک ویژگی آشکار جنسی که از سوی دیگری تصمیم گیری میشود و تحت پیگرد قانونی قرار نمی گیرد ارزیابی می کنند. مسئله ای که بطور رسمی در غالب این کشورها با پیروی از فرهنگ و سنن و مذهب مورد بر علیه زنان و بدون خواست آنها به اجرا در می آید.

ج/ حضور سیاسی: همواره در برخی از کشور های جهان سوم اتحادیه های زنان وابسته به دولت ها وجود دارند که عملاً هیچ معنای واقعی برای زنان به همراه ندارند. احزاب تحت تاثیر آراء مردان قرار داشته و همچنین تعداد زنان فعال سیاسی در این احزاب نسبت به مردان اندکند و احزابی هم وجود دارند که زنان در آن ازحق رای محدود برخوردارند. سازمان های سیاسی زنان و سازمان های غیر دولتی زنان معمولاً فعالیت زیر زمینی دارند و چهره های شناخته شده آنان تحت پیگرد و آزار و دستگیری و شکنجه و... قرار می گیرند.

۳/ جنبش های زنان و جنبش های آزادی بخش

جنبش جهانی زنان در پروسه برابر حقوقی افراد و مشکلات جنوب/شمال جهان وضعیت زنان را مورد بحث و گفتگو قرار داده است. زن بودن به این مفهوم است که در یک موقعیت پائین تر اجتماعی نقش مادر را قبول نمود و جنس دوم را تشکیل داد. این نقش را شاید بتوان تصور نمود اما علل اجتماعی آن کجا قرار دارد؟

خطوطی از بحث های جنبش جهانی زنان:

الف/ از طریق ساختار های قدرتی در خانواده (مرد مسئول بیرون است و زن مسئول درون خانواده)

ب/ از طریق تقسیم کار اجتماعی (کار مزدی و کار خانگی) و نابرابری حقوقی میان مردن و زنان

ت/ از طریق موقعیت اجتماعی

۲/ جامعه طبقاتی: مسئله ای که با آن کاملاً در تمامی کشورهای جهان سوم روبرو هستیم و شرایط زندگی در این کشورها وابسته (سرمايه داری) به آن است. به مفهوم بیشترین بهره با حداقل سرمايه گذاری تحت شرایط استثمار و استفاده از آخرین نیروی کار ضعیف ترین بخش های اجتماعی و انهدام تمامی مناسبات اجتماعی

۴/ سنت ها، ایدئولوژی، مذهب و فرهنگ: در مبارزات آزادی بخش ملی کشورهای جهان سوم غالباً آزادی و برابر حقوقی زنان بعنوان جنبشی مستقل در سایه قرار می گیرد. به این صورت که همواره بعد از یک مبارزه آزادیبخش ملی زنان می بایست چون گذشته به تقسیم کار گذشته خود باز گردند و مردان از مزایای آزادی جدید خود بهره برند.

در حالیکه زنان بخش مهم تمامی جنبش های آزادیبخش را تشکیل می دهند و غالباً بخش های رادیکال جنبش انقلابی را سازماندهی می کنند

استفاده از ماخذ های زیر:

,Kay-Michael Schreiner / Johanna Skrodzki

زنان در جهان سوم

Peter Hammer Verlag, ۳. Auflage ۱۹۸۶

,Rose Gauger / Ulrike Helwerth

ما مورچه گان جنبش هستیم - زنان در آمریکای لاتین

Schwarzwurzel-Verlag, ۱. Auflage ۱۹۸۲